

فصلنامه جامع دفاع مقدس

سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۵؛ ص ۳۱-۵۶

تکلیف محوری در اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس با الگوپذیری از

اندیشه دفاعی امام حسین (ع)

حامد مهرآبادی آرانی^۱، محمد حسین رجیبی دوانی^۲

۱- دانشجوی کارشناس ارشد مدیریت دفاعی، ۲- دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

(دریافت: ۹۵/۰۷/۰۵، پذیرش: ۹۵/۰۷/۲۱)

چکیده

یکی از مقاطع مهم تاریخ ایران اسلامی، وقوع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دفاع مقدس ملت مسلمان و شریف ایران است. قداست و اسلامی بودن آیین دفاع و الگوگیری رزمندگان و فرماندهان آنها از عاشورا و کربلا بسیار در خور توجه بوده و اهمیت تحقیق حاضر را دو چندان می‌کند. برای اثبات این موضوع ابتدا به اندیشه دفاعی امام حسین (ع) پرداخته و در ادامه اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس بررسی شده است. در این تحقیق از بین مؤلفه‌های اندیشه دفاعی، مؤلفه مهم تکلیف محوری با ۷ شاخص را در اندیشه دفاعی امام حسین (ع) در نظر گرفته شد. با این ۷ شاخص اندیشه و عمل فرماندهان دفاع مقدس مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه حاصل از این تحقیق گویای آن است که فرماندهان دفاع مقدس در همه شاخص‌های تکلیف محوری در سطح و وسعت، مسئولیت و اختیارات خود از امام حسین (ع) الگو گرفته و از ایشان پیروی کرده‌اند. نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای و از حیث روش توصیفی تحلیلی است و از نظر منطق اجراء پژوهش قیاسی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی و با فیش‌برداری انجام گرفته است.

کلید واژه‌ها: فرماندهان دفاع مقدس، اندیشه دفاعی، تکلیف محوری.

مقدمه

بر اساس مطالعه تاریخ از یک سو با جنگ‌های قبیله‌ای، منطقه‌ای، قومی، نژادی و منفعت طلبانه‌ای مواجه می‌شویم که فقط بر اساس هواهای نفسانی بشر و مادیات روی داده است. از این قبیل جنگ‌ها می‌توان به جنگ‌های جهانی اول و دوم که در عصر حاضر رخ داده است، اشاره نمود و نشان داد جنگ‌ها اگر مبنای الهی نداشته باشد، آنچنان به بیراهه کشیده می‌شود که ننگ آن هیچگاه از تاریخ بشریت محو نخواهد شد. این جنگ‌ها در مرحله خاصی به پایان می‌رسند و در نهایت خشم و نفرت انسان‌ها را بر می‌انگیزند. از سوی دیگر و در مقابل آن نیز می‌توان به مبارزات پیامبران و اولیای الهی اشاره کرد که بر اساس تکلیف و امر خداوند در مقابل دشمنان دین و خدا ایستادگی کرده‌اند. این مبارزات بر اساس تعالیم الهی صورت گرفته است و در هیچ یک از محدودیت‌های زمانی، مکانی، ملی، نژادی، قومی و... نمی‌گنجد و در نتیجه زمان را در هم می‌نوردد و با توجه به این ویژگی پایان‌ناپذیر بوده و در طول تاریخ جریان داشته، دارد و خواهد داشت. این نوع جنگ‌ها از تقدس خاصی برخوردار هستند چرا که تحقق آرمان‌هایی چون نجات از بردگی‌ها و اسارت‌ها و استثمارها و... را در پی دارد و برای همه انسان‌های آزاده از هر دین و مذهبی مقدس و الگو می‌شود. یکی از بهترین و مقدس‌ترین این نبردها حادثه کربلا و حماسه امام حسین (ع) و یاران با وفای آن حضرت است. در طول تاریخ الگویی برای همه آزادی‌خواهان و ظلم ستیزان گشت و همگان، مسلمان و غیر مسلمان از آن به نیکی و قداست یاد می‌کنند. امام خامنه‌ای (مدظله) درباره تأثیر و الگو بودن این جریان می‌فرماید: «عاشورا یک حادثه تاریخی صرف نبود؛ عاشورا یک فرهنگ، یک جریان مستمر و یک سرمشق دائمی برای امت اسلام بود. حضرت ابی‌عبدالله (ع) با این حرکت - که در زمان خود دارای توجیه عقلانی و منطقی کاملاً روشنی بود - یک سرمشق را برای امت اسلامی نوشت و گذاشت» (۱۳۸۴ / ۱۱ / ۰۵).

اگر بخواهیم در عصر حاضر از نبردی که بر اساس تکلیف دینی و الگوپذیری از آن حادثه عظیم رخ داده است نام ببریم، می‌توان به دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که در یک طرف آن عراق با تمام حمایت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و با خوی وحشیگری بدون در نظر گرفتن تمام قواعد انسانی و اسلامی در جنگ قرار داشت و طرف دیگر ایران اسلامی بود که مبنای نظام و انقلاب آن را اسلام و احکام مقدس اسلامی شکل داده بود. به همین علت مراجعه به ابعاد مختلف دفاع مقدس و بهره‌گیری از زوایای مختلف و آموزنده آن لازم به نظر می‌رسد چنانچه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله) درباره اهمیت مراجعه به حادثه بزرگ دفاع مقدس می‌فرماید: «هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه زمانی نیست؛ گنجینه عظیمی است که تا مدت‌های طولانی ملت ما می‌تواند از آن استفاده کند» (۱۳۸۸ / ۶ / ۲۴).

این تحقیق به دنبال آن است که الگو پذیری اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس را از اندیشه دفاعی سالار و سرور شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) در مؤلفه تکلیف محوری بررسی نماید. بدون تردید هرچه انطباق این دو اندیشه بیشتر باشد قداست دفاع مقدس آشکارتر شده و شک و تردیدهای مغرضین و معاندین بی اثر و خود الگویی برای همه نسل‌های آینده این کشور و حتی همه مجاهدان حق علیه باطل خواهد شد.

بیان مسئله

دفاع در اسلام جزئی از جهاد و از واجبات و تکالیف الهی محسوب می‌شود که باید با شرایط مخصوص و آداب صحیح آن انجام گردد. یکی از صحنه‌های دفاع در صدر اسلام که بر اساس احساس تکلیف صورت گرفت، حادثه کربلا و قیام امام حسین (ع) است که تا به امروز نه تنها از اهمیت و ارزش آن کم نشده است، بلکه روز به روز به عظمت و منزلتش افزوده شده است. به طوری که تمام آزادی‌خواهان عالم از آن به بزرگی یاد کرده و درس‌های آن را به عنوان الگوی مبارزات خود مد نظر قرار داده‌اند.

بعد از حادثه عاشورا جنگ‌های زیادی بین اسلام و کفر صورت گرفته است اما به جرأت می‌توان ادعان نمود که جنگ تحمیلی و دفاع مقدس جمهوری اسلامی ایران در سایه حکومت اسلامی رخ داد، یکی از جلوه‌های ناب قیام امام حسین (ع) در این عصر محسوب بوده و پرداختن به آن بسیار لازم و ضروری است. مبانی فکری و اصول حاکم بر دفاع مقدس به چه اندازه مطابق با قیام سالار شهیدان که برگرفته شده از تعالیم الهی و سنت پیامبر اسلام (ص) و پدر بزرگوارشان امیرالمؤمنین (ع) است، کاری ضروری به نظر می‌رسد. چرا که قداست یک جنگ وقتی خودش را نشان می‌دهد که طبق تعالیم دینی و الگوپذیری از جنگ و جهاد ائمه اطهار و به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) باشد و در این صورت است که دفاع مقدس به عنوان نماد مقاومت و سند مشروعیت و حقانیت نظام جمهوری اسلامی خواهد بود و شهدای آن برای همه و به ویژه نسل جوان الگو معرفی می‌شوند. بدون شک هر چه اندیشه حاکم بر دفاع مقدس به دستورات الهی و سیره ائمه اطهار (ع) نزدیک‌تر باشد، اثرات مثبت آن هم شگرف‌تر خواهد بود.

اندیشه دفاعی شامل اصول و مبانی است که بر اساس آن دکترین و طرح‌های نظامی تدوین شده و منجر به اقدامات اساسی و تاکتیکی در صحنه عمل می‌شود. دفاع مقدس یکی از جلوه‌های مبارزه در راه دین و خدا بوده و اصول و مبانی آن طبق دستورات الهی و سنت اهل بیت (ع) است. غفلت و نپرداختن به این حادثه عظیم و سرنوشت ساز، اصول و مبانی آن فرصتی برای دشمنان این نظام فراهم خواهد کرد که به ایجاد شبهه و انحراف در آن بپردازند و نسل‌های آینده را که باید ادامه دهندگان راه شهدا و رزمندگان باشند، با تردید و سستی روبه‌رو کنند.

این تحقیق به دنبال آن است که انطباق اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس را با اندیشه دفاعی امام حسین (ع) بررسی نماید و بعد از بررسی مؤلفه‌های عمده و پر کاربرد در زمینه اندیشه دفاعی به مؤلفه تکلیف محوری بپردازد. برای این منظور اندیشه دفاعی امام حسین (ع) بر محور عاشورا و قیام ایشان در کربلا مورد بررسی قرار گرفته و به عنوان الگو منظور شده و میزان انطباق اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس با آن مورد بررسی قرار گرفته است.

سؤال تحقیق

آیا تکلیف محوری در اندیشه دفاعی و عمل فرماندهان دفاع مقدس از اندیشه دفاعی امام حسین (ع) الگو پذیرفته است؟

اهمیت و ضرورت انتخاب موضوع

۱- نیازمندی جامعه اسلامی، مدیران و فرماندهان مسلمان و متعهد سازمان‌های نظامی و غیر نظامی به الگویی متناسب با فرهنگ اسلامی و ملی برگرفته از دفاع مقدس.
 ۲- مستند کردن دفاع مقدس با الگویی مانند امام حسین (ع) مشروعیت آن را دو چندان کرده و از شبهات مخالفان در حال و آینده جلوگیری می‌کند.
 ۳- جلوگیری از تحریف و انتقال واقع‌بینانه و به دور از هر تحریف و نگارش غیر مسئولانه و عنادآمیز بخشی از تجارب ارزشمند دفاع مقدس، توسط نسلی که خود شاهد وقایع آن بوده است، به نسل آینده چرا که غفلت از حادثه عظیمی مانند دفاع مقدس، زمینه را برای ایجاد شبهه و تردید به ویژه در نسل جوان فراهم می‌کند و باعث می‌شود خودآگاهی و عزت و انگیزه و امید خود را در مقابل مستکبران جهان از دست بدهند.

اهداف تحقیق

۱- اثبات و تطبیق اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس با اندیشه دفاعی امام حسین (ع) در ادای تکلیف الهی.
 ۲- شناساندن الگوهای عملی برای همه نسل‌هایی که بنا بر انجام تکلیف در صدد حفظ دین الهی و این نظام هستند.
 ۳- شبهه‌زدایی از عملکرد فرماندهان دفاع مقدس با پیوند دادن آنان با امام حسین (ع).

نوع تحقیق

نوع تحقیق از نوع کاربردی- توسعه‌ای است. تحقیق کاربردی، تحقیقی است که به دنبال دستیابی به راه حل مسائل و مشکلات موجود می‌پردازد. در این نوع تحقیق محقق درصدد است با استفاده از معیارها و روش‌های علمی به راه‌حلهایی دست یابد (بشارتی، حشمتی، ۱۳۹۳: ۸۰).

تحقیق توسعه‌ای، هر گونه فعالیت منظم مبتنی بر دانش موجود حاصل از پژوهش‌ها و تجارب است که به منظور تولید مواد، فرآورده‌ها و سایر ابزار و فرایندها و روش‌های جدید و یا بهبود آن‌ها صورت می‌گیرد (طبیعی، ملکی، دلگشایی، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

روش تحقیق

روش تحقیق از توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. حاصل بهره‌گیری از این روش توصیف واقعی و منظم از خصوصیات و ویژگی‌های یک موقعیت یا موضوع است، به عبارت دیگر در این تحقیق، محقق سعی می‌کند هست‌ها را توصیف نماید و بعد به تحلیل و علت‌یابی روابط بین پدیده‌ها و متغیرهای تحقیق بپردازد (دلآوری، ۱۳۸۷: ۲۰).

با روش توصیفی تحلیلی می‌توان واقعیت‌های قیام امام حسین (ع) در کربلا را با ایفای نقش فرماندهان دفاع مقدس توصیف کرد و مؤلفه تکلیف محوری را در اندیشه و عمل فرماندهان دفاع مقدس نسبت به مبانی و اصول قیام امام حسین (ع) تحلیل نمود و مورد بررسی قرار داد. از طرفی منطبق اجرای این تحقیق قیاسی می‌باشد. پژوهش قیاسی، پژوهشی است که استدلال از کل به جزء است و از طرفی در این نوع پژوهش نظریه‌ای مطرح بوده و ما در صدد آزمون آن برمی‌آییم، بنابراین به این نوع پژوهش نظریه آزمایی هم می‌گویند (طبیعی، ملکی، دلگشایی، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۳۶).

محقق برای توسعه بحث و بررسی ابعاد و شاخص‌های بحث شروع به مطالعه کلی منابع معتبر و حتی‌المقدور دست اول کرده و نکات و مؤلفه‌های اصلی آن را استخراج می‌کند. نحوه استخراج اندیشه دفاعی هم با توجه به نوع پژوهش که توصیفی تحلیلی است، با توصیف سخنان و وقایع و تحلیل محتوا صورت گرفته است و نیز با توجه به منطق اجرا پژوهش که قیاسی است و از کل به جزء باید صورت گیرد، ابتدا زندگی و سیره امام حسین (ع) مورد مطالعه قرار گرفت و با توجه به دفاعی بودن موضوع تحقیق، اندیشه امام از ابتدای قیام خویش که همان خروج از مدینه است تا واقعه عاشورا مد نظر قرار گرفته است. بنابراین پس از مطالعه اجمالی و دست یافتن به مؤلفه‌های متعدد، مؤلفه بصیرت بخشی که در طول مسیر قیام امام حسین (ع) مورد تأکید زیاد ایشان قرار داشته و در مکان‌ها و وضعیت‌های مختلف هیچ‌گاه از نظر ایشان دور نبوده، به عنوان شاخص اصلی بحث انتخاب شده و تمامی روش‌ها و شاخص‌هایی را که امام حسین (ع) به این امر مبادرت نموده را استخراج کرده است.

بعد از استخراج شاخص‌های اصلی مؤلفه بصیرت بخشی اندیشه دفاعی امام حسین (ع) به سراغ اندیشه دفاعی امام خمینی (ره) رفته و با مبنا قرار دادن آن شاخص‌ها، اندیشه دفاعی ایشان را با آن شاخص‌ها تطبیق داده تا الگوپذیری ایشان از امام حسین (ع) مورد بررسی قرار گیرد.

مبانی نظری

تعریف اندیشه

«اندیشه» در لغت اندیشیدن، تأمل کردن، تفکر کردن و به طور کلی اعمال ذهن انسان است. به لحاظ وجود شناسی و منطقی نیز «اندیشه» و «فکر» بیانگر هر نوع کنش ذهنی فعال انسان صاحب عقل است. به بیان دیگر، اندیشه یعنی «هر گونه تلاش فکری منسجم، مبنادار، مستدل و مهمم و دارای چارچوب نظری». بنابراین اندیشه دارای انواع و شعب گوناگونی است مثل «اندیشه سیاسی»، «اندیشه اقتصادی»، «اندیشه فرهنگی»، «اندیشه نظامی» و... (جمشیدی، ۱۳۸۳: ۲۸). اندیشه و تفکر فرایندی است که در آن عقل به عنوان ابزار محوری به کار می‌رود و ذهن با مرور معلومات، دانش‌ها و شهود در جستجوی کشف یک مجهول، حل مسئله و افق‌گشایی آینده است. در حقیقت انسان هر گاه با بهره‌گیری از دانش‌های موجود در نزد خود، به یاری ابزار عقل بکوشد تا مجهول و ناشناخته‌ای را حل کند، تفکر کرده و اندیشه ورزیده است (رشید زاده، ۱۳۸۹: ۵).

دفاع

تدابیری است که برای مقاومت در برابر حملات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی، روانی و یا فناوری توسط یک یا چند کشور مؤلفه اتخاذ می‌شود. توانایی‌های دفاع بازدارندگی را تقویت می‌کنند و بازدارندگی نیز به این توانایی‌ها نیرو می‌بخشند. همچنین به حفظ و حمایت از ارزش‌هایی نظیر زندگی، مالکیت، آزادی، هویت ملی و تمامیت ارضی در برابر تهدیدات گوناگون داخلی و خارجی و یا ساختار دفاع منتهی می‌شود (نوروزی، ۱۳۸۵: ۳۴۴).

تعریف اندیشه دفاعی

اندیشه دفاعی یک نوع دور اندیشی، آینده‌نگری و روشن‌بینی عمیقی است که در قالب طرح‌ها و برنامه‌های دقیق راهبردی موجب تأمین منافع ملی کشور در زمینه‌های مختلف در حال و آینده می‌شود (پیری، ۱۳۹۱: ۴۴).

اندیشه دفاعی عبارت است از تفکر و رویکردی که مجاهدان، رزمندگان و سازمان‌های دفاعی، مبتنی بر مبانی اعتقادی و مذهبی، تحولات محیطی و مبتنی بر تجارب و ذخایر تجربی دارند و در هر حوزه‌ای که دفاع در آن تکلیف و مأموریت باشد، حضور فعال دارند و بر اساس آن تفکر بتوانند فلسفه دفاعی‌شان را بیان و اعلام نموده، دستورات و قوانین دفاعی‌شان را تدوین و نهادینه و علوم و ابزارهای مورد نیازشان را تولید کرده و به کارگیری نمایند. اندیشه دفاعی را باید بتوان در قالب سیاست، دکترین و راهبردهای دفاعی و در قالب فرهنگ، ساختار، سازمان، نظامات، قوانین، فناوری و اصول رزم متجلی و به منصفه ظهور رساند. اهمیت اندیشه دفاعی به قدری زیاد است که هر چه بین اندیشمندان دفاعی یک کشور یا سازمان و بین مبانی، مؤلفه‌ها و دستاوردهای اندیشه دفاعی،

وحدت، هماهنگی و یکپارچگی بیشتر باشد، موفقیت و پیروزی در دفاع بیشتر خواهد بود (خودسیانی، مقیسه، ۱۳۹۳: ۲۱۱-۲۱۰).

معنی لغوی و اصطلاحی تکلیف

واژه- کَلَّفَه- در سخن معمولی اسمی است برای مشقت و سختی. و- تَكَلَّفَ- اسمی است برای کاری که با مشقت و حرص و ظاهرسازی انجام می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۶۳). در اصطلاح و فرهنگ دین، تکلیف به فرمان الهی اطلاق می‌شود. مرحوم لاهیجی در «گوهر مراد» می‌گوید: تکلیف خطاب الهی را گویند که متعلق به افعال بندگان است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۲-۳۰).

چگونه تکلیف خود را بشناسیم؟

طبق آیات و روایت دو راه مهم، از بین راه‌های مختلف برای شناخت تکلیف بیان شده است:

درک شرایط زمان خود

انسان نباید نسبت به اتفاقات پیرامون خود بی‌تفاوت باشد بلکه باید شرایط زمان خود را خوب درک کند تا هم دیندار زندگی کند و هم دین خود را حفظ کند، چرا که بعضی اتفاقات به مرور روح دینداری و اصل عبودیت را در انسان و جامعه زایل کرده و انسان از هدف متعالی خویش که همان هدایت و سعادت دنیا و آخرت است باز می‌ماند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ كُلَّهُ فِي أَرْبَعٍ: أَوْلَاهَا: أَنْ تُعْرِفَ رَبَّكَ، وَ الثَّانِي: أَنْ تُعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ، وَ الثَّلَاثُ: أَنْ تُعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ وَ الرَّابِعُ: أَنْ تُعْرِفَ مَا يَخْرُجُكَ مِنْ دِينِكَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۲۴) یعنی: «علم مردم را همه، در چهار موضوع دانستم: اول پروردگارت را بشناسی. دوم بدانی با تو چه کرده. سوم بدانی از تو چه خواسته. چهارم بدانی چه چیز ترا از دینت بیرون برد» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۴۷). بنابراین بر هر انسان دینداری که نسبت به دین و سعادت خود احساس تکلیف و مسئولیت می‌نماید، واجب است شرایط حاکم بر زمان خود را هر چه بیشتر و بهتر بشناسد تا اگر دشمن توطئه‌ای در پیش گرفته باشد با درایت و اقدام مناسب آن را خوب شناخته و خیلی زود خنثی نماید. امام صادق (ع) فرمود: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ؛ هر کس زمان شناس باشد شبهات به او هجوم نمی‌آورند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۷). در این راه اگر همه دینداران به این شناخت و درک مناسب برسند، یک اقدام هماهنگ و دسته جمعی برای حفظ دین و انجام تکلیف الهی صورت خواهد گرفت. و این به این معنی نیست که اگر دیگران به این حقیقت دست پیدا نکرده باشند، تکلیف از دوش آگاهان برداشته خواهد شد. بلکه هر کس در حد توان خود باید به تکلیف خویش عمل کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا...»، خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او... (بقره: ۲۸۶).

پیروی از امام و رهبر جامعه

یکی از بهترین روش های شناخت تکلیف، پیروی از رهبر و ولی امر است. ایشان با علم و آگاهی عمیق و خاص خود، شرایط را به خوبی زیر نظر داشته و تکالیف هر زمان را بر حسب آن شرایط معین می‌نماید، تا افراد جامعه دینی بر حسب وظیفه و توان خویش برای انجام تکلیف خود اقدام کنند. بنابراین ارتباط با ولی امر و رهبری حکومت یکی از ضروریات جامعه مسلمین است تا با ارتباط با ایشان اوضاع و شرایط حاکم خوب درک شده و تکالیف جامعه مشخص گردد. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «... فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». شما اگر خود نمی‌دانید بروید و از اهل ذکر (و دانشمندان امت) سؤال کنید (نحل: ۴۳). جامعه مسلمین با اطاعت و پیروی از ایشان در راه شناخت و انجام تکلیف قدم برمی‌دارند. این روش و شیوه یکی بزرگ‌ترین ارکان دین است همان‌طور که امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و هیچ یک آن‌ها آن‌گونه که ولایت مطرح شده است مطرح نگشته است» (حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی، ۱۳۸۰: ۲۷۷). و خداوند اطاعت از امر آنان را واجب و شرط حل اختلافات و ایمان و دینداری دانسته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید (نساء: ۵۹). بنابراین اگر انسانی را مجبور کنند که همه علوم جهان را فرا گیرد، باز هم تکلیف به غیر مقدور است و صحیح نیست و هرگز از طرف یک مقام حکیم عادل چنین حکمی صادر نمی‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَا يَكُفُّ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا؛ خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش مکلف نمی‌سازد» (بقره: ۲۸۶). اگر شخصی در حال غرق شدن است و ما قدرت داریم که او را نجات دهیم بر ما واجب است که او را نجات دهیم، ولی اگر مثلاً هواپیمایی در حال سقوط است و ما به هیچ وجه قادر نیستیم جلوی سقوط آن را بگیریم تکلیف از ما ساقط است، یعنی خداوند ما را به خاطر کمک نکردن به جلوگیری از سقوط هواپیما مؤاخذه نمی‌کند (مطهری، بی‌تا: ۲۹۷).

الگوپذیری از نهضت امام حسین (ع) در دفاع مقدس

حضرت علی (ع) در مورد الگو بودن امام حسین (ع) برای همه می‌فرماید: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَسْوَةٌ أَنْتَ قَدْ مَأْتِ، تُوَازِ قَدِيمَ اسْوَهٍ وَ الْكُوَى خَلْقِ بُوْدَى (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۷۲). فرهنگ غنی و ناب و الهام بخش عاشورای حسینی، در هر زمان و مکانی راهنما و الگوی جنبش‌های انقلابی و نهضت‌های رهایی بخش بوده است؛ چرا که قیام سیدالشهداء و یارانش، بذر تحرک و بیداری را در عالم افشاند و امتداد آن حماسه عظیم در طول تاریخ جاودانه ماند. سیر تاریخ مبارزات اسلامی پس از شهادت ابا عبدالله الحسین (ع) تاکنون گویای این مطلب است. مسلمانان خاصه شیعیان در هر برهه از زمان با تاسی از قیام عاشورا و نصب العین قرار دادن این

قیام تاریخ ساز، همواره برگ‌های زرینی را در تاریخ رقم زدند (زمانی محبوب، ۱۳۸۸: ۱۵۰). از این رو الهام‌پذیری از حادثه کربلا و درس آموزی از قیام حسین بن علی (ع) دستمایه و سرلوحه مبارزه رهبران، فرماندهان و رزمندگان ایران اسلامی نیز قرار گرفته و تأثیرپذیری آن‌ها از نهضت عاشورا کاملاً محسوس و پر رنگ بوده است. ارزش‌های دفاع مقدس، زاینده فرهنگ عاشوراست و رزمندگان ما با الهام از عاشورا و توسل به ولایت سالار شهیدان امام حسین (ع)، انگیزه حضور خود را در جبهه‌ها یافته، شوق و ذوق شهادت و لقای محبوب، همه وجود آن‌ها را فرا گرفته بود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت جبهه‌های دفاع مقدس تکرار کربلای سال ۶۱ هجری بود (محمدنژاد، ۱۳۹۲: ۲۰۳).

بی شک فرهنگ عاشورا در ایجاد و تداوم انقلاب اسلامی تأثیر فراوان داشته و به فرمایش حضرت امام خمینی (ره) ما هر چه داریم از محرم و صفر است و اما در این گفتار کوتاه به گوشه‌ای از نقش فرهنگ محرم و عاشورا در دفاع مقدس می‌پردازیم.

امام راحل در جنگ تحمیلی نیز که توطئه استکبار جهانی به سرکردگی امریکا علیه امت مظلوم ایران بود، قیام عاشورا و اقتدا به امام حسین (ع) را سر لوحه کار خویش قرار داد و در اقتدای ملت سلحشور ایران به قیام عاشورا فرمود: «ملت ما، از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را در راه خدا فدا کرد و این اقتدا به بزرگ مرد تاریخ، حضرت سیدالشهدا است» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۵۲). امام همچنین در روزهای پایان جنگ و پذیرش قطعنامه در پیام تاریخی خود اینگونه می‌نویسد: «نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته‌اند، بلکه آن‌هایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده‌اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده‌اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین(ع)» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۸۸).

نه تنها امام راحل بلکه فرماندهان دفاع مقدس نیز و جای جای سخن و رفتار خود را پیرو سالار شهیدان می‌دانستند. شهید حسن خرازی الگو‌پذیری از امام حسین (ع) و شهادتی که راه ایشان را به صورت عملی رفتند، اینگونه بیان می‌دارد: «اول که ما باید همیشه شهدا را مقتدا و مولای خودمان بدانیم، از آن سید شهیدان تا الان، هیچ فرقی ندارد. باید تمام ایثارگری‌ها، تمام نقش‌هایی که این‌ها داشتند در تاریخ، در مقاطع مختلف را حتماً به یاد داشته باشیم. همیشه باید شهدایمان را تجلیل بکنیم، یاد آن‌ها را گرامی بداریم و کار و نحوه عملکرد آن‌ها را برای خودمان الگو قرار دهیم» (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

مصدق دیگر، برای پی بردن به عمق تأثیر فرهنگ عاشورا در دفاع مقدس و الگو شدن آن برای رزمندگان، جلوه‌ها و یادگارهای دفاع مقدس یعنی وصیتنامه‌ها، نوشته‌ها و خاطرات شهدا همچنین تابلوهای جبهه و جنگ، اسامی اماکن، مقرها، سنگرها، مناطق عملیاتی و محورها، لشکرها گردان‌ها، گروهان‌ها و به ویژه عملیات‌ها و رمز عملیات‌ها و شعرها و شعارهای جنگ است که باید آن‌ها را نیز

مطالعه و بررسی کرد. با بررسی اینگونه مصادیق و آثار به جا مانده از دفاع مقدس به این نتیجه می‌رسیم که جبهه‌های دفاع مقدس همچون چشمه‌هایی بودند که از قله‌های مرتفع کربلا سرچشمه می‌گرفتند و گویی خونی که در روز عاشورا بر خاک کربلا چکید در رگ‌های نوجوانان و جوانان رزمنده جاری بود (سنگری و عبدالهی، ۱۳۸۶: ۶۱).

در جبهه‌های نبرد از سنین مختلف حضور داشتند که تداعی کننده سنین مختلف یاران امام حسین بود. سیمای پیرانی که در جبهه می‌جنگیدند حبیب‌ابن‌مظاهر را تداعی می‌کرد، نوجوانان به حضرت قاسم تشبیه می‌شدند. سرداران به حضرت ابوالفضل و جوانان به حضرت علی اکبر و مادران شهید صبوری را از حضرت زینب می‌آموختند. حتی کودکانی که در حملات هوایی به شهادت می‌رسیدند به حضرت علی اصغر تشبیه می‌شدند.

زیستن و تنفس در فضایی همانند عاشورا، روضه خوانی، زیارت عاشورا و تکرار هر روز این یادها و زیارت‌ها تصویر کربلا را مقابل چشم و ذهن و احساس رزمندگان قرار می‌داد (همان: ۷۰-۶۹). در سراسر جبهه‌های دفاع مقدس نام امام حسین (ع) و یاران با وفا و با صفای ایشان زینت‌بخش دیدگان و گوش‌ها بود که نمونه‌های آن عبارتند از:

نام لشکرها، تیپ‌ها، گردان‌ها مثل: لشکر سیدالشهدا، لشکر ۲۵ کربلا، لشکر ۳۱ عاشورا، لشکر ثارا...، لشکر انصارالحسین (ع)، لشکر ۱۴ امام حسین (ع)، تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع)؛ تیپ ۵۷ ابوالفضل (ع). تیپ ۶۱ محرم، گردان علی اکبر (ع)، گردان ۱۰ سیدالشهدا، گردان حبیب‌ابن‌مظاهر و ...

نام برخی از محورهای عملیاتی مانند محور کربلا، محور عاشورا، محور امام حسین (ع).

نام برخی سنگرها و حسینیه‌ها مانند حسینیه عاشقان کربلا، حسینیه حضرت ابوالفضل (ع).

نام رمز عملیات‌ها مانند عملیات میمک با رمز «یا ابا عبدالله الحسین (ع)» در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۲۵، عملیات نصر ۲ با رمز «یا حسین مظلوم» در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۱۳، از مجموعه ۹۵ عملیات کوچک و بزرگ دفاع مقدس ۲۷ عملیات نام و یا رمز عاشورایی و کربلایی دارند (۱۹ عملیات نام و ۱۴ عملیات رمز عاشورایی دارند).

پیشانی بندها و لباس نوشته‌ها این پیشانی بندها و لباس نوشته‌ها حکایت از آرمان‌های رزمندگان بود که زینت بخش پیشانی و لباس آن‌ها بود. عباراتی مانند یا اباعبدا...، یا حسین، زائر کربلا، یا حسین شهید.

در طول جاده‌ها و مسیرها عباراتی در تابلوها نوشته شده بود که حاکی از مقصد و مقصود رزمندگان بود. عباراتی مانند «هیاهات منالذله»، «یا ثارا... محرم»، «یا زینب»، «یا ابوالفضل»، «تا زنده‌ایم رزمنده‌ایم»، «هل من ناصر ینصرنی» و گاهی احادیثی مانند «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه»، «انی احامی ابدأ عن دینی» و ترجمه احادیثی مانند «اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید» و نیز عبارات متضمن فرهنگ عاشورا مانند «ای ترکش‌ها، ای فشنگ‌ها مرا دریابید»، «ذره ذره وجودم فدایت یا حسین»، «حسین جان عاشقانت را دریاب» و... (سنگری و عبد الهی، ۱۳۸۶: ۱۳۸۶).

(۱۹۲-۱۷۹).

شهدا در وصیت‌نامه خود راهشان را به امام حسین (ع) یا کربلا و یا عاشورا و یاران نزدیک امام حسین (ع) به چند شیوه پیوند داده‌اند و آن‌ها را الگوی خود قرار داده‌اند. در یک نمونه آماری از وصیت‌نامه شهیدان که مورد تحقیق قرار گرفته در هر وصیت‌نامه به صورت میانگین حداقل چهار بار اسم امام حسین (ع) برده شده یا کربلا یا عاشورا یا حضرت زینب یا علی اکبر (ع) یا حضرت ابوالفضل (ع) و اقتدا کردن و الگو قرار دادن آن‌ها (تقی‌زاده اکبری، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۲۶).

مداحی و محتوای مداحی زمان دفاع مقدس رنگ و بوی دیگری داشت. تلفیقی از آموزه‌های عاشورا و فرهنگ دفاع مقدس بود و رنگ و بوی حماسی و عزت آفرین بود. برای نمونه چند بیت از سروده‌های شعرای دفاع مقدس را می‌خوانیم.

این طرف تکرار عاشوراست: خون و زندگی / التهاب است، آفتاب است و جنون و تشنگی
این طرف ایمان تلاوت می‌کند لب‌های تیغ / شور میدان دارد این سو، سروهای بی دریغ
ندای هل من ناصر حسینی / لبیک یا خمینی

پیش به سوی حرم حسینی / لبیک یا خمینی (سنگری و عبداللهی، ۱۳۸۶: ۱۵۷ و ۱۷۴).
بنابراین پرچم‌ها و پیشانی بندها و نوحه‌ها و گریه‌ها و تمام اقدامات رزمندگان ما در طول هشت سال دفاع مقدس، نماد گویایی از این حقیقت است که نیروهای رزمنده ما در جنگ و شهادت، به امام حسین (ع) و یاران فداکارش اقتدا نمودند (محمدنژاد، ۱۳۹۲: ۲۰۴).
در ادامه به مؤلفه تکلیف محوری در اندیشه امام حسین (ع) و فرماندهان دفاع مقدس می‌پردازیم.

تکلیف محوری در اندیشه دفاعی امام حسین (ع)

اوضاع حکومت یزید

یزید در حالی بر جای پیامبر اسلام (ص) تکیه زده بود و ادعای خلافت مسلمین را می‌کرد که فردی نالایق، شرابخوار و بی‌بند و بار بود. امام حسین (ع) در جواب نامه معاویه، یزید را اینگونه معرفی می‌فرماید: «... دوستان خدا را از خانه‌هاشان به دیار غربت تبعید می‌نمایند مردم را مجبور می‌کنی با پسر تو که کودکی است نرس و شرابخوار و سگباز بیعت کنند...» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۴: ۲۲۹). و نیز امام حسین (ع) هنگام خروج از مدینه کنار قبر پیامبر اسلام (ص) در وداعی سوزان و گدازان خطاب به روح بزرگ پیامبر درباره یزید فرمود: «آنان زورمدارانه از من می‌خواهند که با یزید، آن عنصر شرابخوار و تبه‌کار دست بیعت دهم؛ و اینک می‌نگرم که اگر چنین کنم به خدای کفر ورزیده‌ام و اگر دست رد بر سینه او زدم خونم را خواهند ریخت. هان ای پیامبر خدا! گواه باش که من از جوار تو ناخواسته و به زور بیرون می‌روم...» (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۱۰۲).

از مطالب فوق اوضاع بنی امیه و یزید و شرایط امام حسین (ع) به خوبی مشخص است. دین خدا بازیچه فردی لابلایی و شرابخوار قرار گرفته و اکثریت مردم هم او را به عنوان خلیفه مسلمین

پذیرفته‌اند و حتی مخالفان او هم هیچ تحرکی از خود نشان نمی‌دهند. امام بنا بر رسالت و تکلیفی که در راستای دین الهی و نقش خود به عنوان امام در بین مردم بر دوش دارد، باید وارد عمل شود. برخی از شاخص‌های تکلیف محوری در اندیشه دفاعی امام حسین (ع) به شرح زیر است:

۱- اطاعت از دستور خدا

بر هر مسلمانی واجب است که دستور خدا و خلفای الهی او را به عنوان یک تکلیف الهی اطاعت و اجرا نمایند. در همین راستا امام حسین (ع) بعد از برخورد با سپاه حر برای اصحاب خودش و اصحاب حر اینگونه خطبه خواند و هدف خود را قیام برای اطاعت و اجرای فرمان خدا و رسول خدا (ص) بیان کرد. امام پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «ای مردم، رسول الله (ص) فرموده است: هر کس پادشاه ستمگری را بنگرد، که حرام خدا را حلال کرده، دین خدا را فرو افکنده، با سنت پیامبر خدا مخالفت می‌کند و در میان مردمان با گناهکاری و ستم حکم می‌راند، سپس با سخنرانی و اقدام بر او نشورد، سزاوار است که خداوند آن کس را نیز به سرانجام (خواری و عذاب) آن پادشاه دچار سازد...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۴: ۲۸۲).

۲- هدایت بشریت

یکی از تکالیف امام حسین (ع) که نشأت گرفته از اندیشه دفاعی آن حضرت بود، نجات انسان‌های در بند و هدایت آنان به سوی خداوند بود و باید از هر موقعیتی برای این هدف مهم استفاده می‌کرد. بنابراین به مکه رفت، آن هم در ایامی که مکه شلوغ بود مثل شعبان و تا ذی‌حجه آنجا ماند و به تبلیغ دین و هدایت بندگان خدا پرداخت (محدث قمی، ۱۳۸۴: ۷۲). ایشان در کلامی فرمود: «خدایا! تو می‌دانی آنچه از سوی ما انجام گرفته است به خاطر سبقت جویی در فرمانروایی و افزون‌خواهی در متاع ناچیز دنیا نبوده است؛ بلکه برای این است که نشانه‌های دینت را به مردم نشان دهیم و اصلاح در شهرهایت را آشکار کنیم. می‌خواهیم بندگان ستم دیده‌ات در امان باشند و به دستورها و سنت‌ها و احکامات عمل شود» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۵: ۴۱۷).

امام در نامه به بصریان ضمن تحلیل اوضاع ناهنجار و تأسف انگیزی که بر جامعه اسلامی سایه افکنده بود، مردم آزادی‌خواه و آزادمنش را به سوی حق و عدالت و راه و رسم عادلانه خدا و پیامبرش فراخواند و راه هدایت آنان را مستلزم اجابت و اطاعت خویش دانسته و نوشت: «فان تجیبوا دعوتی، و تطیعوا امری، أهدکم سبیل الرشاد.» (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۱۱۲)

۳- حفظ شریعت و دین

حفظ دین و شریعت خداوند به عنوان یک تکلیف در حالی بر دوش امام است که یزید دین خدا را به سخره گرفته است و در لهو لعب بسر می‌برد و باید برای حفظ دین، یزید کنار گذاشته شود به همین منظور هنگامی که مروان به زعم خود برای گشودن راه راست به امام پندی می‌دهد، امام

می‌فرماید: «همه ما از خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم، اگر با یزید بیعت کنم باید آخرین وداع را از اسلام بنمایم (و از اسلام جدا گردم) زیرا اسلام به رهبری مانند یزید گرفتار شده، و من از جدم رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: عهده‌داری خلافت بر دودمان ابو سفیان حرام است.» (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۴۹)

۴- اصلاح جامعه و جاری ساختن سنت پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع)

امام در وصیتی که برای برادرش محمد حنفیه هنگام خروج از مدینه می‌نویسد: «...جز این نیست که من به منظور ایجاد صلح و سازش در میان امت جدم خارج شدم، من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. من می‌خواهم مطابق سیره جدم رسول خدا (ص) و پدرم علی بن ابی طالب (ع) رفتار نمایم...» (قمی، ۱۳۸۴: ۷۲).

امام حسین (ع) به دنبال زنده کردن سنت‌های پیامبر و پدرش و مبارزه با بدعت بودند و این در حالی بود که در کنار بی‌تفاوتی نسبت به دین، بسیاری از احادیث و سنت‌های پیامبر تحریف شده بود و مسلمانان دچار حیرت و گمراهی شده بودند و واجبی بزرگ به نام امر به معروف و نهی از منکر به بوته فراموشی سپرده شده و مردم نسبت به دین و انحراف در آن، بی‌تفاوت شده بودند. تنها راه حل اصلاح جامعه و حفظ مکتب الهی، در مقابل انحراف موجود، قیام علیه آن‌ها و در شرایط مقتضی، جهاد بود.

و همین‌طور امام در نامه‌ای به بصریان می‌نویسد: «آئی ادعواکم الی اللّٰه و الی نبیه، فان السنه قد امیتت»: «شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر فرا می‌خوانم زیرا سنت به بوته فراموشی سپرده شده» و هشدار می‌دهد که رژیم سیاهکار و بیداد پیشه اموی سیره و روش عادلانه و انسانی و آزادمنشانه پیامبر را هدف قرار داده و با پایمال ساختن آن، استبدادی خشن و رسوا و بی‌منطق را به نام اسلام به جای آن نشانده است (ابن نما حلی، ۱۳۸۰: ۱۱۲).

۵- برچیدن ظلم و فساد

اسلام نه می‌پسند کسی زیر بار ظلم می‌رود و نه دستور ظلم صادر می‌کند به طوری که امام به صراحت در وصیت‌نامه خود بیان می‌فرماید: «من برای سرکشی و عداوت و فساد کردن و ظلم نمودن از مدینه خارج نشدم» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۴: ۳۶۰-۳۵۹). امام حسین (ع) حکومت وقت را ظالم و مفسد می‌داند و می‌فرماید: «آگاه باشید که اینان طاعت شیطان را پذیرفته‌اند و اطاعت خدای رحمان را ترک کرده‌اند، آشکارا فساد می‌کنند. حدود الهی را ترک کرده‌اند، اموال بیت‌المال را به خود اختصاص داده‌اند و حرام خدا را حلال و حرام او را حلال کرده‌اند (مجلسی، ۱۳۷۷، ج ۴۴: ۳۸۲). بنابراین امام برچیدن ظلم و ظالم را تکلیفی می‌داند که در راستای اجرای احکام الهی و اصلاح امت و سنت جدش باید به آن عمل نماید. بنابراین قیامش را علیه ظلم و ظالم زمان خویش

یعنی حکومت یزید شروع می‌نماید.

۶- احقاق حق و زدودن باطل

وقتی سپاه حر بر امام سخت گرفت و او را از راه باز داشت امام حسین (ع) برخاست، خطبه کوتاهی را خوانده و در قسمتی از آن می‌فرماید: «أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ»، «آیا نمی‌نگرید که به حق عمل نمی‌شود، و از باطل جلوگیری نمی‌گردد» (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۱۰۲). بنابراین امام نه تنها حکومت وقت را بر پایه حق ندانسته بلکه آن را در مسیر اجرای و عمل به حق و جلوگیری از باطل هم نمی‌داند. در اندیشه امام تکلیف دیگری که همانا احقاق حق و زدودن باطل است نیز نمایان می‌شود.

۷- عزت طلبی و ذلت‌ناپذیری

خداوند عزت را مختص خود و پیامبر و مؤمنان می‌داند: «الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»: «عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است» (منافقون/۸). تکلیف هر مسلمان و مؤمنی است طبق دستور خداوند زیر بار ذلت نرفته و در راه کسب عزت از هر کوشش و حرکتی دریغ ننماید بنابراین قیام و حرکت امام حسین (ع) که خود پرچمدار اجرای فرامین الهی است بر مبنای عزت‌طلبی بود و لحظه‌ای تن به ذلت و سر به خواری نداد و سطر سطر قیام او نشانگر عزت‌مداری و پایداری بر راه حق بود. به نمونه‌هایی از عزت‌طلبی و ذلت‌ناپذیری ایشان اشاره می‌کنیم:

امام در خطبه‌ای فرمود: «چقدر آسان است جان دادن در راه به‌دست آوردن عزت و زنده کردن حق. هرگز در راه عزت چیزی نیست جز زندگی جاودان و زندگی با ذلت چیزی نیست جز مرگ پایدار». یا در جای دیگری فرمود: «نه بخدا قسم نه مانند ذلیلان تسلیم می‌شوم و نه مانند بردگان گردن می‌نهم». (وحیدی، ۱۳۸۴: ۲۳۶-۲۳۳)

وقتی عمر بن ابی‌طالب نزد امام آمد و عرض کرد: «... می‌شد که خود را کنار نمی‌کشیدی و بیعت می‌کردی؟» امام حسین (ع) در پاسخ فرمود: «وَ أَنَّهُ لَا أُعْطِيَ الدِّيَةَ مِنْ نَفْسِي أَبَدًا...»، همانا حقیقت این است که من هرگز زیر بار پستی و ذلت نمی‌روم». (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۵۱)

امام حسین (ع) در روز عاشورا در مقابل سپاه دشمن قرار گرفت و فریاد برآورد که: «شگفتا! زنازاده فرزند زنازاده مرا بین یکی از دو چیز مجبور کرده است، بین مرگ و ذلت (تسلیم) و هیهات که ما ذلت و خواری را بپذیریم». (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۱۲۱)

تکلیف محوری در اندیشه فرماندهان

در دفاع مقدس فرماندهان و تصمیم‌گیران ارشد، کارهای خود را بر حسب وظیفه و تکلیف آن زمان خود انجام می‌دادند، گاهی نتیجه خوب و مورد نظر خود را می‌گرفتند و گاهی اصلاً کارشان نتیجه نمی‌داد. امام خامنه‌ای (مدظله) در این مورد می‌فرماید: «در دفاع مقدس و در همه جنگ‌هایی که

در صدر اسلام، زمان پیغمبر یا بعضی از ائمه (علیهم‌السلام) بوده است، کسانی که وارد میدان جهاد می‌شدند، برای تکلیف هم حرکت می‌کردند. جهاد فی سبیل الله یک تکلیف بود. در دفاع مقدس هم همین جور بود؛ ورود در این میدان، با احساس تکلیف بود؛ آن کسانی که وارد می‌شدند، اغلب احساس تکلیف می‌کردند. اما آیا این احساس تکلیف، معنایش این بود که به نتیجه نیاندیشند؟ راه رسیدن به نتیجه را محاسبه نکنند؟ اتاق جنگ نداشته باشند؟ برنامه‌ریزی و تاکتیک و اتاق فرمان و لشکر و تشکیلات نظامی نداشته باشند؟ اینجور نیست. بنابراین تکلیف‌گرایی هیچ منافاتی ندارد با دنبال نتیجه بودن، و انسان نگاه کند ببیند این نتیجه چگونه به دست می‌آید، چگونه قابل تحقق است؛ برای رسیدن به آن نتیجه، بر طبق راه‌های مشروع و میسر، برنامه‌ریزی کند.» (۱۳۹۲/۵/۶)

حال در این قسمت تکلیف محوری در اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس را با شاخص‌های تکلیف محوری استخراج شده از اندیشه دفاعی امام حسین (ع) مورد بررسی قرار می‌دهیم:

اجرای فرمان مافوق

در اندیشه فرماندهان دفاع مقدس، مافوق از طریق سلسله مراتب به فرماندهی کل قوا و از آنجا به ائمه (علیهم‌السلام) و خداوند می‌رسید، بنابراین اجرای حکم و فرمان مافوق را از واجبات می‌دانستند. شهید حسن باقری معتقد بود در هر شرایط باید فرمان مافوق خود را اجرا نمود. به همین دلیل شبی که قرار بود همسرش وضع حمل کند از تهران تماس گرفته شد که ایشان در جلسه‌ای شرکت کند. اطرافیان گفتند که بمان ممکن است اشکالی پیش بیاید ولی او گفت: «خدایی که بچه داده خودش هم همه کارهایش را انجام می‌دهد». بدون هیچ شک و تردیدی به طرف تهران حرکت کرد (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۹، ج ۲۳: ۲۵۴).

شهید عبدالحسین برونسی در عملیات فتح خرمشهر بعد از آزادسازی شهر در حالی که همه مشتاقانه و سراسیمه به طرف مسجد جامع خرمشهر در حال دویدن هستند دست هم‌رزمش را می‌گیرد و می‌گوید باید برگردیم گردان. هم‌رزمش با تعجب علت را جویا می‌شود که شهید برونسی می‌گوید: «من به فرمانده تیپ قول دادم که بعد از تموم شدن عملیات، توی اولین فرصت خودم را برسونم گردان، یعنی ما از این به بعد دیگه شرعاً اجازه نداریم، هر چه بیشتر بمونیم خلافه» (عاکف، ۱۳۸۶: ۲۱۳).

شهید مصطفی ردانی‌پور نزد امام رفته بود که کسب تکلیف کند، در کردستان بماند یا اینکه به قم برای درس خواندن برگردد. حضرت امام با قاطعیت فرموده بود: «اکنون فرصت خدمت در این لباس است. حضور شما در کردستان آنگونه که گزارش دادند حیاتی است. باید برگردید و خدمت کنید» ایشان برمی‌گردد و مشغول خدمت می‌شود (گروه فرهنگی شهید ابراهیم‌هادی، ۱۳۹۲: ۵۶).

شهید ردانی‌پور به یکی از فرماندهان اجازه حضور در عملیات را نمی‌دهد او هم قهر کرده و به اهواز می‌رود. فردا که از راه می‌رسد، مصطفی از وی می‌پرسد: «تا حالا کجا بودی؟» او هم با خجالت در

حالی که سرش پایین است، می‌گوید: «رفته بودم اهواز». سرش داد می‌زد: «چرا اجازه نگرفتی؟ ما برای دلمون اومده‌ایم اینجا یا برا تکلیف؟» (گروه فرهنگی شهید ابراهیم‌هادی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

هدایت خود و فریب خوردگان

میدان و صحنه جنگی که بر پایه اسلام و دفاع از دین و شریعت باشد، تأثیر زیادی بر هدایت و خارج کردن همگان از انحراف دارد. فرماندهان دفاع مقدس در پی هدایت امت در پیروی از امام خود بودند تا اسلام سرافراز شود. حسین خرازی در سخنرانی خود در مراسم شهادت دو تن از هم‌زمان خود یکی از تکالیف خود و رزمندگان را با وارد شدن به عرصه جهاد و با اقتدا به سرور شهیدان هدایت بیان می‌دارد و چنین می‌گوید: «در آن زمان امام حسین(ع) با ۷۲ نفر شهید ۷۲ نفر انسان مخلص و آگاه آمدند و پا به عرصه مبارزه گذاشتند. الان هم ما با این جمعیت وسیعی که خودمان شاهد هستیم و حتماً باید این‌ها را در نظر خودمان، با یک دید حکیمانه و بصیر نگاه کنیم، تا بتوانیم ان‌شاء... هدایت بشویم» (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۷۷).

در پاکسازی مهاباد وقتی پیرمرد کردی پیشنهاد زدن چند خمپاره به روستای پر از ضد انقلاب را به شهید محمد بروجردی می‌دهد که منجر به کشته شدن تعدادی مردم عادی روستا هم می‌شود، شهید بروجردی می‌گوید: «پدر جان! این کار هدف ما نیست. هدف جمهوری اسلامی این نیست که همه را بکشد و مناطق رو پس بگیرد. هدف ما اینه که ان‌شالله... کاری کنیم و طوری عمل کنیم که اسباب هدایت فریب خورده‌ها رو فراهم کنیم و راضی نیستیم که قطره‌ای خون از دماغ هیچ مسلمانی بریزد» (اکبری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۲۶).

شهید بروجردی ماندن در کردستان با قصد قربت و انجام مأموریت‌ها را به عنوان امانت الهی عامل هدایت از جانب خدا می‌دانست (اکبری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۰).

دفاع از اسلام و انقلاب

وقتی همکاران شهید حسن باقری در روزنامه جمهوری اسلامی از او درخواست می‌کنند که به سر کارش برگردد، پاسخ می‌دهد: «ای بابا! کار من الان فقط جنگه و دفاع از اسلام و انقلاب، نه چیز دیگه» (اکبری، ۱۳۹۱، ج ۶: ۲۴).

شهید حسین خرازی در جمع رزمندگان بعد از عملیات بدر تکلیف خود و همه مبارزان را حفظ اسلام بر می‌شمارد و می‌گوید: «باید بجنگیم. اسلام عزیزتر از امثال ما و من است، و باید برویم و اسلام را نجات بدهیم» (احمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۱).

بعد از عملیات فتح‌المبین قرار شد عملیات ادامه پیدا کند. نیروها به علت خستگی اصرار داشتند به مرخصی بروند و روحیه ادامه عملیات را نداشتند. شهید ردانی‌پور داوطلب شد با نیروها صحبت کند و آنان را آماده عملیات نماید. ایشان با دستی گچ گرفته که به گردنش آویزان بود به مقرر آمد و بین

دو نماز به اهمیت ادامه دادن عملیات اشاره کرد و آن را برای حفظ اسلام حساس دانست: «ما در کل دوران بیست ماهه جنگ چنین شرایطی را نداشتیم. حالا فرماندهان به سوی ما دست یاری دراز کرده‌اند. در این شرایط حساس یاری اسلام به ماندن و ادامه عملیات تا فتح نهایی است» (گروه فرهنگی شهید ابراهیم‌هادی، ۱۳۹۲: ۱۲۶).

قبل از والفجر مقدماتی وقتی با یکی از هم‌زمان روحانی خود مشغول پیاده‌روی بود رشته کلام به دست آن روحانی افتاده و با لحنی که از نصیحت به لحن آمرانه تبدیل شده بود از مصطفی ردانی‌پور می‌خواست تا به حوزه برود و اعتقاد داشت که مصطفی دین خودش را ادا کرده است. ناگهان مصطفی گفت: «نه، تا جنگ ادامه داره و زنده‌م، تو جبهه می‌مونی، اگه که شهید شدم، نعم‌المطلوب، و اگه زنده موندم؛ به کربلا می‌رم و کنار قبر سیدالشهدا، به امام می‌گم: آقا! برای یاری دین جدت و لبیک به تو، به عرصه جهاد و شهادت اومدم، شاید از درس و هم مباحثه‌ای‌ها عقب موندم، اما از خدا بخواه، هوش و استعداد بده و مددی کنه تا جبران کنم» (مسجدی، ۱۳۹۱: ۳۵). شهید ردانی‌پور بعد از توییح یکی از فرماندهانش، به دیدن او می‌رود و از او برای رفتارش عذر خواهی کرده و حلالیت می‌طلبد و می‌گوید: «ما برای دل خودمان اینجا نیستیم. هدف ما فقط اسلام است. پس باید به تکلیفمان درست عمل کنیم» (گروه فرهنگی شهید ابراهیم‌هادی، ۱۳۹۲: ۱۴۱).

شهید زین‌الدین همیشه به رزمندگان می‌گفت: «ما چه پیروز شویم، چه شکست بخوریم، مهم نیست. اصل این است که به تکلیف خود عمل کنیم. اگر اسلام امروز نیازمند خون ماست تا به دورترین نقاط جهان گسترده شود، باید بجنگیم برای اسلام، نه برای جنگ» (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۹، ج ۲۳: ۵۵).

شهید محمد بروجردی خطاب به یکی از بچه‌ها که داشت از اوضاع کردستان و وضعیت نابسامان خودش درد دل می‌کرد، گفت: «برادر! دنیا ارزشی نداره، ما باید همه چیزمون رو در راه خدمت به اسلام فدا کنیم. همون طور که امام حسین (ع) و یارانش با تمامی سختی‌ها مبارزه کردن، ما هم باید مبارزه کنیم و نباید کمرمون زیر بار مشکلات خم بشه» (اکبری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۹۰).

خودسازی و اصلاح منحرفین

فرماندهان دفاع مقدس جنگ را هدف نمی‌دیدند و یکی از اهداف مهمی که در مبارزه دنبال می‌کردند اصلاح تک‌تک افراد و درنهایت اصلاح جامعه بود. به طوری که اکثر وصیت‌نامه‌های شهدای دفاع مقدس و فرماندهان آنان پر از توصیه برای هدایت و اصلاح امت اسلام است. شهید همت در کردستان و در اوج جنگ برای مردم بومی آنجا ارزش بسیاری قائل بود و همیشه مورد توجه قرار می‌داد و به بچه‌ها توصیه می‌کرد با آن‌ها مانند برادران خود رفتار کنند. این نوع رفتار باعث شده بود که عده زیادی از آنانی که قبلاً در مقابل نیروهای انقلاب می‌جنگیدند اصلاح شده و

جذب نیروهای اسلام شوند. این نوع رفتار و اندیشه باعث شده بود که شهید همت در بین مردم موقعیت خاصی پیدا کرده و ضد انقلاب‌هایی که قصد توبه و بازگشت داشتند راحت‌تر با او ارتباط برقرار نمایند (شفیعی، ۱۳۹۲: ۱۴۰).

شهید بروجردی هم اعتقاد داشت مردم کردستان، مردمی مظلوم هستند که برخی بر اثر نا آگاهی فریب خورده‌اند و اگر آنان از مسائلی که در اطرافشان می‌گذرد آگاه شوند راه حقیقت را پیدا خواهند کرد. با این اعتقاد در صدد نصیحت فریب خورده‌ها برمی‌آمد و فریب خورده‌ها بعد از توبه خود را نجات یافته او می‌دانستند (اکبری، ۱۳۸۸، ج ۳: ۶۰).

شهید حسین خرازی در سخنان خود هدف از جهاد را اصلاح و خودسازی و تبعیت از پیامبر اسلام (ص) در راه مقام حبیب‌اللهی شدن دانسته و در ادامه می‌گوید: «ما عمدتاً برای مسائل اخلاقی به اینجا آمديم، که با اخلاق رشد کنیم، به کمالات و به راه واحد خودمان برسیم و در جهت پاکسازی قدم برداریم» (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۳۷).

مبارزه با متجاوز ظالم

یکی از خصوصیات فرماندهان دفاع مقدس حضور مستمر و با انگیزه در میدان جنگ بود چرا که آن میدان را جنگ و مبارزه علیه ظالم متجاوز می‌دانستند. شهید باکری در مدت مسئولیت‌اش به عنوان فرمانده عملیات سپاه ارومیه تلاش‌های گسترده‌ای را در برقراری امنیت و پاکسازی منطقه از لوث وجود وابستگان و مزدوران شریک و غرب انجام داد و به‌رغم فعالیت‌های شبانه‌روزی در مسئولیت‌های مختلف، پس از شروع جنگ تحمیلی، تکلیف خویش را در جهاد با کفار بعثی و متجاوزین به میهن اسلامی دید و راهی جبهه‌ها شد. ایشان حتی برای تشیع جنازه برادرش هم به شهر نیامد و به این قصد که آرزوی برادرش حمید باز کردن راه کربلا بود در جبهه ماند تا علیه ظلم بجنگد (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۹، ج ۲۳: ۵۷).

در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی وقتی برادرش به حاجی می‌گوید: «مردم از تو خواستن که بیایی و کاندید نمایندگی بشی. باید خودتو آماده کنی تا بریم.» حاجی پس از تأمل به برادرش می‌گوید: «من اون لحظه‌ای که بسیجی‌ها با پیشونی بندهاشون میان و واسه رفتن به خط از من خداحافظی می‌کنن رو با هیچ چیز و هیچ کجا عوض نمی‌کنم و تا لحظه آخر هم در کنار همین بسیجی‌ها می‌مونم» (اکبری، ۱۳۹۰، ج ۷: ۶۲).

شهید حسن باقری خطاب به همسر و خانم همسایه‌ای که به دعوت او چند روز برای درک اوضاع جنگ به جنوب آمده بودند، می‌گوید: «برید دو دستی به کار بچسبید و قدر انقلاب را بدونین. ما باید ریشه ظلم رو از روی زمین بکنیم و برای این مهم خیلی سختی خواهیم کشید» (اکبری، ۱۳۹۱، ج ۶: ۴۰).

گرفتن حق نیرو و برخورد با خطا

در اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس علاوه بر پیش برد اهداف نظامی تربیت و تأمین امکانات و لوازم رفاهی نیروها که حق آنها محسوب می‌شد، هم از اهمیت خاصی برخوردار بود و به عنوان یک فرمانده این احقاق حق جزء تکالیف آنان محسوب می‌شد. ولی در عین حالی که برای نیروهایشان ارزش بالایی قائل بودند در مقابل خطاهایشان نیز محکم ایستاده و گاهی تذکر و گاهی توبیخ را مد نظر قرار می‌دادند.

شهید همت در جلسات با فرماندهان عالی رتبه در کنار پذیرش مأموریت‌های سنگین، برای تأمین امکانات رفاهی و تجهیزات نیروهای تلاش و پافشاری می‌کرد و از طرفی وقتی اطلاع پیدا می‌کند بر خلاف امر او سیدرضا دستواره قصد به عقب آوردن جنازه رفیقش را دارد با او به شدت برخورد کرده و می‌گوید: «من به تو تکلیف می‌کنم که حق نداری فعلاً برای جنازه شهید حسن زمانی اقدامی کنی». شهید همت حاضر نبود که با یک خطا جان نیرویی به خطر افتد (شفیعی، ۱۳۹۲: ۳۲-۳۰).

در جلسه‌ای که فرمانده سپاه بعد از شکست در پنج مرحله عملیات رمضان از خستگی بعضی از آنان گلایه می‌کند، حسین خرازی بر خود تکلیف می‌داند از وضعیت واقعی نیروها و تعهدشان نسبت به ادامه مبارزه و ایستادگی دفاع کند تا حق نیروها ضایع نشده و تصور غیرحقیقی از آنان در ذهن فرماندهان برای تصمیم‌گیری نباشد (نخعی، ۱۳۸۷: ۹۸).

شهید باقری به حق نیروهای خود خیلی اهمیت می‌داد و به کسی اجازه نمی‌داد به بهانه‌های واهی این حق را ضایع کنند چنانچه وقتی مسئول تدارکات کمپوت بچه‌ها را قطع کرده بود مستقیم وارد عمل شد و مسئول تدارکات را وادار کرد برای عذر خواهی درب کمپوت‌ها را یکی یکی باز کند و به بچه‌های خط مقدم بدهد. قضیه این بود که مسئول تدارکات ادعا کرده بود بچه‌ها فقط آب کمپوت‌ها را می‌خورند و بقیه آن را دور می‌ریزند شهید باقری هم گفته بود: «تو چه می‌دونی در خط چه خبره شاید اصلاً فرصت همین آب کمپوت را دارند، تو چه کار داری، حق خودشان است» (مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۹۰، ج ۲۵: ۱۱۷ و ۱۱۸).

یا جنگ و شهادت یا سازش و ذلت

فرماندهان دفاع مقدس تحت هیچ شرایطی حاضر نبودند که چه خود و چه نیروهایشان دست از مقاومت برداشته و تسلیم دشمن شوند چرا که کوتاه آمدن و تسلیم دشمن شدن جز خواری و ذلت چیزی در بر نداشته و رد شدن در امتحان الهی محسوب می‌شود. شهید همت در دیدار خود از گردان‌های حبیب‌ابن‌مظاهر و مالک اشتر که در شرایط سختی قرار گرفته و روحیه خود را از دست داده بودند، بعد از استقبال گرم و خوش و بش به آنها گفت: «ما برای جهاد در راه خدا اینجا

هستیم. باید به یکی از این دو تن دهیم، یا اینکه از خودمون ضعف نشون بدیم و پرچم سفید ذلت و تسلیم به دست بگیریم و کاری کنیم که حرف امام رو زمین بمونه، یا اینکه تا آخرین نفس، مردونه بجنگیم و شهید بشیم و با عزت از این امتحان سخت بیرون بیاییم. حالا بسیجی‌ها، به من بگین چه کنیم؟ تسلیم بشیم یا تا آخرین نفس بجنگیم؟». بعد از این صحبت بسیجی‌ها با گریه فریاد زدند: «می‌جنگیم، می‌میریم، سازش نمی‌پذیریم» (اکبری، ۱۳۹۰، ج ۷: ۹۴).

تجزیه و تحلیل

در تجزیه و تحلیل این تحقیق به سؤال تحقیق پاسخ می‌دهیم که آیا اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس در جهت ادای تکلیف الهی از اندیشه دفاعی امام حسین (ع) الگو گرفته است؟ در پاسخ به این سؤال، طبق تحقیقی که انجام شد و مطالبی که به دست آمد شاخص‌های زیر در اندیشه دفاعی امام حسین (ع) استخراج شد:

۱- اجرای فرمان الهی، ۲- هدایت بشریت، ۳- حفظ شریعت و دین، ۴- اصلاح جامعه، ۵- برچیدن ظلم و فساد، ۶- احقاق حق و زدودن باطل، ۷- عزت طلبی و ذلت‌ناپذیری
شاخص‌های فوق را در مورد امام حسین (ع) و فرماندهان دفاع مقدس بررسی می‌کنیم:

اطاعت از دستور خدا

شاخص اجرای فرمان الهی که در حقیقت اجرای حکم مافوق به شمار می‌رود، در اندیشه دفاعی امام حسین (ع) وقتی نمایان می‌شود که ایشان در برخورد با سپاه حر در جمع آنان و یاران خویش هدف خود را طبق فرمایش پیامبر، اطاعت از دستور خدا بیان می‌فرماید.

در اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس ظهور این شاخص در قالب اجرای فرمان مافوق وقتی است که شهید باقری حتی در شرایط سخت زندگی متواضعانه خود را مکلف به اجرای فرمان فرمانده و مافوق خود می‌داند. شهید برونسی حتی از ورود به خرمشهر خودداری کرده و دلیل آن را اجرای فرمان فرمانده خود بیان می‌کند که قرار است بعد از عملیات سریع به مقرر برگردد. شهید ردانی‌پور مطابق فرمان امام خمینی (ره) درس را رها کرده و در جبهه می‌ماند و نیز ایشان سرپیچی از فرمان خود را به هیچ وجه نمی‌پذیرد و در صدد برخورد برمی‌آید.

هدایت بشریت

در شاخص هدایت بشریت اندیشه دفاعی امام حسین (ع) ایجاب می‌کند تا بنا بر تکلیفی که بر دوش دارد، انسانیت را از گمراهی بیرون آورده و به سوی هدایت الهی رهنمون سازد و بیان می‌دارد که هدفش فرمانروایی و کسب متاع ناچیز دنیا نیست و نیز در نامه خود به بصریان می‌نویسد که تنها راه هدایت پیروی از او می‌باشد.

شاخص هدایت بشریت در اندیشه فرماندهان دفاع مقدس که در جلوه هدایت خود و فریب

خوردگان ظهور می‌کند، فرماندهان را بر آن می‌دارد که عرصه جهاد را فرصتی برای هدایت خود و دیگران بدانند چنان که حسین خرازی در سخنرانی خود به صراحت الگوی خود و همراهانش را در جهت مبارزه برای هدایت، سیدالشهدا معرفی می‌کند و نیز شهید بروجردی هدف از مبارزه را کشتار همه فریب خوردگان در کردستان نمی‌داند و معتقد است باید اسباب هدایت آنان فراهم شود.

حفظ شریعت و دین

حفظ دین، یکی از تکالیف بسیار مهمی است که بر دوش امام حسین (ع) است و در حقیقت فلسفه وجود امام هم برای انجام این تکلیف است. بنابراین در اندیشه دفاعی امام حسین (ع) مبارزه با حکومت فاسد وقت برای حفظ دین واجب است. به همین دلیل امام در پاسخ دلسوزی ظاهری مروان که امام را نصیحت می‌کند، به صراحت حکومت یزید را نه انحراف در دین بلکه فاتحه اسلام می‌خواند و اعلام می‌کند برای حفظ دین حاضر به مصالحه و کنار آمدن با یزید نیست و نیز حدیث پیامبر را یادآوری می‌کند که حکومت بر آل ابو سفیان حرام است.

شاخص فوق در اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس که همان دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی است از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و در اکثر مواضع آنان دیده می‌شود. شهید حسن باقری وظیفه و تکلیف فعلی خود را حفظ اسلام و انقلاب و مبارزه در این راه می‌داند. شهید حسین خرازی اسلام را عزیزتر از همه دانسته که باید برای نجات آن جنگید. شهید ردانی‌پور در حالی که دستانش در گنج است ولی در بین رزمندگان حاضر شده و آنان را برای مبارزه و حفظ اسلام تشویق کرده و می‌گوید «در این شرایط حساس یاری اسلام به ماندن و ادامه عملیات تا فتح نهایی است». شهید زین الدین جنگ را تکلیفی برای گسترش اسلام دانسته و حاضر است تا آخرین قطره خون خود را نثار این هدف کند.

اصلاح جامعه

شاخص اصلاح جامعه در اندیشه دفاعی امام حسین (ع) تا آن اندازه مهم است که در وصیت‌نامه خود به محمد حنفیه به این شاخص اشاره می‌فرماید. امام در نامه به بصریان اعلام می‌دارد که راه و رسم و سنت پیامبر به بوته فراموشی سپرده شده است و در هنگام رویارویی با لشکر حر علت قیامش را همین نکته متذکر می‌شود.

شاخص اصلاح جامعه در اندیشه فرماندهان دفاع مقدس هم یکی از اهداف و تکالیف بسیار مهمی بود که در همه عرصه‌های دفاع و جهاد به آن پرداخته می‌شد و بروز آن در اصلاح منحرفین و ضد انقلاب و در مواردی در سفارش به خودسازی، مشاهده می‌شد چنان که شهید همت و بروجردی در کردستان و در اوج جنگ برای مردم بومی آنجا ارزش بسیاری قائل بودند و همیشه آنان را مورد

توجه قرار می‌دادند و معتقد بودند برخی فریب خورده‌اند و می‌توان با آگاهی بخشیدن و نصیحت، آنان را نجات داد. شهید حسین خرازی هم هدف از جهاد را اصلاح و خودسازی بیان می‌کند.

برچیدن ظلم و فساد

امام حسین (ع)، در مورد این شاخص، قیام خود را بر اساس ظلم رد می‌کند و هم هشدار می‌دهد که حکومت وقت حلال خدا را حرام و حرام او را حلال کرده و مشغول فساد هستند، پس باید بر اساس تکلیفی که در اندیشه دفاعی ایشان، بر دوش هر مسلمانی است این ظلم و فساد برچیده شود.

این شاخص در اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس نیز جلوه‌های بارز و قابل ملاحظه‌ای داشت و به حضور مداوم و مستمر و عدم ترک میدان جنگ در هر شرایطی خود را نشان می‌داد. به طوری که شهید مهدی باکری تکلیف خویش را در جهاد با کفار بعثی و متجاوزین به میهن اسلامی دید و حتی برای تشیع جنازه برادرش هم به شهر نیامد. شهید حسن باقری ضمن تأکید این شاخص آن را کاری سخت بیان می‌کند.

احقاق حق و زدودن باطل

امام حسین (ع) در اندیشه دفاعی خود یکی از تکالیفی که به عنوان امام بر حق جامعه بر دوش خود احساس می‌کند، احقاق حق و زدودن باطل است. بنابراین وقتی با سپاه حر برخورد می‌کند یکی از جملات نورانیش این است که «آیا نمی‌نگرید که به حق عمل نمی‌شود، و از باطل جلوگیری نمی‌گردد».

در اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس این شاخص در گرفتن حق نیرو و برخورد با خطا خود را نشان می‌دهد. اینجاست که اگر فرمانده‌ای برای دفاع از حق و حقوق زیر دستان خود اقدام نماید حتماً در صدد احقاق حق عمومی نیز بر خواهد آمد. همین‌طور فرماندهان تحمل خطا و راه باطل نیروهای خویش را هم نداشتند و با برخورد خود مانع انجام آن می‌شدند. شهید همت در جلسات با فرماندهان عالی رتبه در کنار پذیرش مأموریت‌های سنگین، برای تأمین امکانات رفاهی و تجهیزات نیروهایش تلاش و پافشاری می‌کرد و از طرفی وقتی اطلاع پیدا می‌کند بر خلاف امر او سیدرضا دستواره قصد به عقب آوردن جنازه رفیقش را دارد با او به شدت برخورد می‌کند. شهید خرازی در مقابل سوء برداشت فرمانده سپاه در مورد نیروها بر خود تکلیف می‌داند از حق نیروها دفاع کند. شهید باقری هم اهمیت زیادی به گرفتن حق و مقابله با بعضی بهانه‌های واهی نشان می‌داد و در مواردی برخورد شدیدی می‌نمود.

عزت طلبی و ذلت ناپذیری

شاخص عزت طلبی و ذلت ناپذیری در اندیشه دفاعی امام حسین (ع) طبق دستور و آیات قرآن که

آن را مخصوص خدا و رسول و مؤمنین می‌داند، جایگاه بلندی دارد. اوج عزت مداری امام آنجایی است که این جمله معروف را در مقابل دشمن می‌فرماید «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ» یعنی هیهات که ما ذلت و خواری را بپذیریم». امام مرگ با عزت را بر زندگی ذلت‌بار ترجیح داده و جان دادن در راه به‌دست آوردن عزت را آسان‌تر از زیر بار ذلت زندگی کردن می‌داند و محکم بر این اعتقاد ایستاده به حدی که می‌فرماید: «نه به خدا قسم نه مانند ذلیلان تسلیم می‌شوم و نه مانند بردگان گردن می‌نهم». امام حسین (ع) این فرهنگ و اندیشه را به اهل بیت خود هم منتقل کرده و از آنان می‌خواهد که اسارت را با حفظ عزت تحمل کنند و نوید می‌دهد که «اهل بیت من! شما اسیر خواهید شد ولی حقیر و ذلیل نخواهید شد».

عزت طلبی و ذلت ناپذیری در اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس هم یکی از تکالیفی بود که برای آن مبارزه می‌کردند و بین جنگ و شهادت و سازش و ذلت هیچگاه تردید به خود راه نمی‌داند چنانچه شهید همت در برخورد با دوگردانی که از سختی زیاد روحیه خود را از دست داده بودند سخنرانی کرده و این نکته را یادآور می‌شود.

نتیجه‌گیری

در مؤلفه تکلیف محوری که شامل هفت شاخص در اندیشه دفاعی امام حسین (ع) بود و همین شاخص‌ها را در اندیشه امام خمینی (ره) و فرماندهان دفاع مقدس مورد مقایسه قرار دادیم، نتیجه تحقیق و بررسی در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱. مقایسه مؤلفه تکلیف محوری

| ردیف | امام حسین (ع) | فرماندهان دفاع مقدس |
|------|--|-------------------------------|
| | اطاعت و اجرای دستور خدا | اطاعت و اجرای فرمان مافوق |
| | هدایت بشریت | هدایت خود و فریب خوردگان |
| | حفظ شریعت و دین | دفاع از انقلاب و اسلام |
| | اصلاح جامعه و جاری ساختن سنت پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) | خودسازی و اصلاح منحرفین |
| | برچیدن ظلم و فساد | مبارزه با متجاوز ظالم |
| | احقاق حق و زدودن باطل | گرفتن حق نیرو و برخورد با خطا |
| | عزت طلبی و ذلت ناپذیری | یا جنگ و شهادت یا سازش و ذلت |

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود شاخص‌های ستون اول، شاخص‌های تکلیف محوری در اندیشه امام حسین (ع) است که به عنوان الگو احصا شده است، و ستون دوم شاخص‌های تکلیف محوری در اندیشه فرماندهان دفاع مقدس است و با مقایسه این ستون‌ها و شاخص‌های آن این

نتیجه حاصل می‌شود که این شاخص‌ها در برخی موارد در همان وسعت و در برخی موارد در وسعت کمتر در اندیشه دفاعی فرماندهان دفاع مقدس نیز وجود داشته است. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که فرماندهان دفاع مقدس در حد وسع و حیطة عمل و اختیارات خود در عمل به تکلیف از امام حسین (ع) الگو گرفته و پیروی کرده‌اند.

منابع

- ۱- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۵)، تحف العقول، چاپ پنجم، صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل علی (ع).
- ۲- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۷)، غم نامه کربلا (ترجمه اللهوف علی قتلی الطفوف)، چاپ اول، محمد محمدی اشتهاردی، تهران، نشر فرهنگ.
- ۳- ابن نما حلی، جعفر بن محمد (۱۳۸۰)، در سوگ امیر آزادی (ترجمه مثیر الأحزان)، چاپ اول، علی کرمی، قم، نشر حاذق.
- ۴- احمدی، جانمراد (۱۳۹۲)، گفتارهای آسمانی (مجموعه سخنرانی‌های شهید حسین خرازی)، اصفهان، ستارگان درخشان.
- ۵- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶)، کامل الزیارات، چاپ اول، نجف اشرف، دارالمرتضویه.
- ۶- اکبری، علی (۱۳۹۰)، برای خدا خالص بود (مجموعه یاران ناب ۷)، تهران، نشر یا زهرا (س).
- ۷- اکبری، علی (۱۳۸۸)، میرزا محمدپدر کردستان (مجموعه یاران ناب ۳)، تهران، نشر یا زهرا (س).
- ۸- اکبری، علی (۱۳۹۱)، من اینجا نمی‌مانم (مجموعه یاران ناب ۶)، تهران، نشر یا زهرا (س).
- ۹- بشارتی، محمدرضا، حشمتی جدید، مهدی (۱۳۹۳)، روش تحقیق و نگارش پایان نامه، تهران، انتشارات سخنوران.
- ۱۰- پیری، هادی‌مراد، «تبیین صحنه‌های عملیات ج.ا.ا در هشت سال دفاع مقدس» دانشگاه جامع امام حسین (ع) مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی، مجله سیاست دفاعی شماره ۷۰، سال ۱۳۸۹: ۱۸.
- ۱۱- تقی زاده اکبری، علی (۱۳۸۵)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس-ج ۱ (باورهای دینی- امدادهای غیبی)، قم، زمزم هدایت، پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
- ۱۲- جمشیدی، محمد حسین (۱۳۸۳)، مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در جهان، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
- ۱۳- خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، مجموعه نرم‌افزار نور.
- ۱۴- حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، حکیمی، علی (۱۳۸۰)، الحیاه، چاپ اول، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- ۱۵- جوادی آملی، حق و تکلیف.
- ۱۶- رشید زاده، فتح اله، «تبیین اندیشه‌های نظامی فرماندهی معظم کل قوا»، فصلنامه مدیریت نظامی، شماره ۳۷، ص ۱-۲۸، بهار ۱۳۸۹.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، چاپ دوم، غلامرضا خسروی، محقق / مصحح: غلامرضا خسروی حسینی، تهران، مرتضوی.
- ۱۸- سنگری، محمد رضا، غبد الهی، مهدی (۱۳۸۶)، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس ۳ (فرهنگ عاشورا- شباهت جویی به جنگ‌های صدر اسلام)، قم، انتشارات زمزم هدایت.
- ۱۹- طبیبی، سید جمال الدین، ملکی، محمد رضا، دلگشایی، بهرام (۱۳۹۲)، تدوین پایان نامه، رساله، طرح پژوهشی و مقاله علمیر، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فردوس.
- ۲۰- عاکف، سعید (۱۳۸۶). خاک‌های نرم کوشک، چاپ ۲۴، مشهد مقدس، انتشارات ملک اعظم.
- ۲۱- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، الکافی، قم، دارالحدیث.
- ۲۲- گروه فرهنگی شهید ابراهیم‌هادی (۱۳۹۲)، مصطفی (زندگی نامه و خاطرات سرلشکر شهید مصطفی ردانی‌پور)، چاپ سوم، تهران، نشر امینان.
- ۲۳- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، جلد ۴۴، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۴- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۷۸)، ایمان و کفر (ترجمه کتاب الإیمان و الکفر بحار الأنوار، جلد ۶۴، عزیز الله عطاردی قوچانی، تهران، عطاردی.
- ۲۵- محدث قمی، شیخ عباس (۱۳۸۴)، در کربلا چه گذشت (ترجمه نفس الهموم)، محمد باقر کمره‌ای، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۲۶- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۳۶۲)، زندگانی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام، ترجمه جلد ۴۴ بحار الأنوار، چاپ دوم، نجفی، محمد جواد، تهران، اسلامیه.
- ۲۷- مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت (۱۳۸۹)، سیره شهدای دفاع مقدس (انجام تکلیف)، ج ۲۳، چاپ دوم، تهران، چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- ۲۸- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۹۰)، فرماندهی و مدیریت (رسم خوبان ۲۵)، تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- ۲۹- مسجودی، حسین (۱۳۹۱)، سلوک سرخ، چاپ سوم، اصفهان، ستارگان درخشان.
- ۳۰- مطهری، مرتضی، بی تا، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، جلد ۱۶، نرم‌افزار نور.
- ۳۱- محمد نژاد، سید مهر علی (۱۳۹۲)، طراحی و تبیین الگوی تصمیم‌گیری راهبردی فرماندهان سپاه در دفاع مقدس، رساله دکترا، تهران، دانشگاه جامع امام حسین (ع).

- ۳۲- نخعی، هادی، «توجیه نیروهای عمل کننده در عملیات رمضان، دغدغه اساسی فرمانده سپاه پاس از عملیات»، فصلنامه نگین، سال ششم، شماره ۲۵، ص ۱۰۶-۹۵، ۱۳۸۷.
- ۳۳- نوروزی، محمد تقی (۱۳۸۵)، فرهنگ دفاعی-امنیتی، تهران، انتشارات سنا، مرکز مطالعات و پژوهش‌های مدیریت.
- ۳۴- وحیدی، محمد (۱۳۸۴)، عزت و ذلت در مکتب اسلام و سیره اولیای دین با تأکید بر سیره سید الشهدا (ع)، قم، مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی دارالذکر.

Duty-Centeredness in Defensive Thoughts of Commanders of the Sacred Defense Modelling After Defensive Thoughts of Imam Hussein

H. Mehr-Abadi Arani, M. H. Rajabi Davani

Abstract

One of the most important points in the history of Islamic Iran was the imposed war by Iraq against Iran and, consequently, the sacred defense of the Muslim and noble people of Iran. Islamic sanctity of the defense and modelling of combatants and their commanders after Ashura and Karbala has been very noticeable which doubles the importance of the current study. To prove this, Imam Hussein's defensive thoughts have, first, been investigated and, then, those of commanders of the sacred defense have been explored. In this study, from among all the variables of defensive thoughts, the duty-centeredness variable with seven principles has been considered in Commanders of the Sacred Defense. These seven principles are derived from Imam Hussein's principles of defensive thoughts. The results of the study depicted that Commanders of the Sacred Defense followed up Imam Hussein in all principles of duty-centeredness, and in responsibilities and authorities.

The research is applied - developmental and in terms of methodology, descriptive analysis and in terms of the logic of implementation, deductive. Data collection is carried through books and documents and note-taking.

Keywords: Commanders of the Sacred Defense, Defensive Thought, Duty-Centeredness